

دکتر الین فیلیپس، مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس، جلسه ۱۳، متون منتخب دریای مرده

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر الین فیلیپس و تدریس او در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس هستم. این جلسه سیزدهم، متون منتخب دریای مرده است.

در سخنرانی قبلی‌مان، به مقدمه‌ای بر طومارهای دریای مرده پرداختیم و این بار، قصد داریم فقط کمی روی سه مورد از آنها تمرکز کنیم.

آنها متون کاملاً متفاوتی هستند، اما خواهیم دید که چگونه پیش می‌روند. این در واقع بخشی از پیش‌پیش یا تفسیر طومار حبقوق است. ما قصد داریم کمی بعد با جزئیات بیشتر به آن برگردیم.

بگذارید کمی از جایی که دفعه قبل بودیم را مرور کنیم و سپس به سراغ این طومارها بروم. بنابراین صرفاً از طریق مرور، فقط یک مرور سریع از انواع متونی که داریم. دفعه قبل متوجه شدیم که حدود یک چهارم متونی که در مجاورت قمران پیدا شدند، نوعی متون کتاب مقدس، یا قطعاتی از آن بودند.

دفعه قبل در مورد این موضوع صحبت کردیم. وقتی به متون فرقه‌ای پرداختیم، دوباره فقط برای مرور، این متون مربوط به این جامعه خاص هستند و تأکیدات خاصی را دیدیم. ما قصد داریم هنگام بررسی اینکه این جامعه چه نوع جامعه‌ای می‌تواند باشد یا بوده است، آنها را دوباره بررسی کنیم، اما تأکیدات به ویژه بر عهد و مطالعه تورات بود.

آنها خود را پسران زادوک می‌نامیدند و این نشانه‌ای از علاقه آنها به کاهنی است؛ با این حال، این علاقه به مرور زمان از بین رفت. واضح است که از نظر باستان‌شناسی و همچنین متون، و ما در ادامه بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد، تأکید بر خلوص آیینی وجود داشته است، و سپس مشتاقانه منتظر یک معبد بازسازی شده و مرتبط با آن، نبرد نهایی بین خیر و شر، جنگ پسران نور و پسران تاریکی بوده است. این متنی نیست که ما قصد بررسی آن را داشته باشیم، اما مطمئناً متنی مهم است.

باز هم، صرفاً برای اینکه از دفعه قبل عقب نمانیم، با مرور خودمان، سوال این بود که این افراد چه کسانی بودند و ما اغلب می‌بینیم که اسنی‌ها به طور خودکار برجسبی هستند که به آنها چسبانده می‌شود و چیزهای زیادی در مورد اسنی‌ها برای گفتن وجود دارد. دفعه قبل اشاره کردیم که آنها به نوعی ظاهر می‌شوند یا حداقل از نوعی جامعه زاهدانه یاد شده است. جوزفوس احتمالاً بهترین منبع ما در مورد هویت و ماهیت فرقه‌های اسنی است، اما موارد دیگری نیز وجود دارد.

ما همچنین به طور خلاصه اشاره کردیم که این متون مضامین مشترکی با صدوقیان دارند و همانطور که قرار است کمی بیشتر بررسی کنیم، یک جدال بسیار ظریف اما محکم علیه آنچه که ما ممکن است فریسیان بدانیم وجود داشت. بنابراین، این پیشنهاد مطرح شده است و احتمالاً لارنس شیفمن است که این را رهبری کرده است، اما دیگران نیز معتقدند که ما نمی‌خواهیم صرفاً اسنی‌ها را در نظر بگیریم، بلکه می‌خواهیم آنها را به عنوان جامعه‌ای در نظر بگیریم که با گذشت زمان در حال تغییر است. و بنابراین، پیشنهاد این است که حدود سال پیش از میلاد، زمانی که کاهنان در اورشلیم و کارکنان معبد در اورشلیم دقیقاً در وضعیت ایده‌آلی ۱۵۰ نبودند، گروهی از مردم بودند که، همانطور که برای شما اشاره می‌کنم، از تسلیم شدن در برابر تأثیرات هلنیستی کاملاً وحشت‌زده شدند و بنابراین با پیروی از الگویی که به سینا و عهد برمی‌گردد، به بیابان عقب‌نشینی کردند، زیرا بیابان به عنوان مکانی تلقی می‌شد که درست مانند جامعه‌ای بود که مصر را ترک کرده

و در آنجا با خدا ملاقات می‌کردند، بنابراین این افراد این را پیش‌بینی می‌کردند، اما انتظار خود را از یک رویداد آخرالزمانی نیز اضافه کردند.

این یک جامعه بسیار متمرکز بر آخرالزمان بود. آنها همچنین، همانطور که به ویژه در قانون جامعه می‌بینید که کمی بیشتر به آن خواهیم پرداخت، خود را به نوعی کفاره‌ای برای اسرائیل می‌دانستند. با این اوصاف، این در مورد چگونگی تفکر در مورد برخی از آن مظاهر اولیه است.

شاید بعدها، فرقه‌گرایان و افراد دیگری به این جامعه پیوستند، و شما یک جامعه نسبتاً قوی دارید، و شاید در واقع، بعداً، قبل از سقوط آن به دست رومی‌ها در سال ۶۸ میلادی، ممکن است تا حدودی تحت تأثیر اسنی‌ها نیز بوده باشد. خب، این ما را به سمت چیزی که قرار است مطالعه کنیم، سه متنی که قرار است روی آنها تمرکز کنیم، و انواع سولاتی که می‌خواهیم در مورد آنها پرسیم، هدایت می‌کند. من لحظه‌ای پیش به نامیده QS قانون جامعه اشاره کردم، این یکی از متونی بود که در غار ۱ پیدا شد، به همین دلیل است که ۱ می‌شود.

اشاره دارد. هایاچاد. خب، در مورد قانون، Serech، به اولین کلمه عنوان عبری S به قمران اشاره دارد و Q جامعه، بعد از اینکه در مورد نحوه سازماندهی آن صحبت کردیم، به آن برمی‌گردیم و چند سوال در مورد آن مطرح می‌کنیم. متون دومی که می‌خواهیم به آنها نگاه کنیم، و من اینها را با هم ترکیب می‌کنم زیرا هر دو نمونه‌ای از متون تفسیری هستند.

پیش‌تر به معنی تفسیر است؛ نوع خاصی از تفسیر است؛ در ادامه خواهیم دید که چگونه کار می‌کند، و پیش‌تر است زیرا جمع است، بنابراین به تفسیرهای ناحوم و حبقوق نگاهی خواهیم انداخت. و سپس تفسیر نهایی ما خواهد بود که کمی بیشتر آن را بررسی خواهیم کرد، قبلاً آن را بررسی کرده‌ایم، اما دوباره بررسی 4QMMT قمران، و سپس میکتراتما سحت تورات، عبارتی که در Q خواهیم کرد. غار شماره ۴ همان ۴ است، دوباره یکی از سطرهای آن آمده است، و کمی بعد بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

بیاید به طور خلاصه انواع مسائلی را که می‌خواهیم در مورد آنها فکر کنیم مطرح کنیم، زیرا ما فقط متن را باز نمی‌کنیم و می‌گوییم، خب، این جالب است، و سپس با آن متوقف می‌شویم. مسائل خاصی برای پرداختن وجود دارد. بنابراین، سوال این است که در هر یک از این موارد، چه مضامین اصلی الهیاتی ظاهر می‌شوند؟ حال، با نگاهی به آن جمله خلاصه‌ای که تازه مرور کردم، احتمالاً می‌توانیم در مورد برخی از آنها حدس بزنیم، اما به هر حال، این یک سوال است.

کدام متون کتاب، 4QMMT پرسیم برای مثال، هایاخاد، یا بخش‌هایی از میکتراتما سحت تورا، 4 Serech مقدس به نظر برجسته بوده‌اند؟ البته، ناحوم و حبقوق، متون برجسته‌ای هستند، اما می‌خواهیم این سوال را پرسیم که چرا؟ به هر حال، اینها لزوماً در صفحه رادار همه نیستند، حداقل از دیدگاه ما. ما آنها را در کتاب دوازده رسولان قرار می‌دهیم و برخی آنها را پیامبران کوچک و فرعی می‌نامند. خب، تمرکز اصلی دوم، صحبت از پیامبران کوچک و بزرگ شد، می‌خواهیم این سوال را پرسیم که آیا در این متون، شخصیت‌های برجسته‌ای می‌بینیم؟ چهره‌های اصلی چه کسانی هستند؟ گروه‌های اصلی که ظاهر می‌شوند چه کسانی هستند؟ و ما بررسی خواهیم کرد که این به چه معناست.

و از طرف دیگر، فقط برای اینکه دوباره روی هدفمان در اینجا تمرکز کنیم، که یادگیری چیزی در مورد این جامعه است. این متون چه کمکی به درک ما از اینکه چه کسانی ممکن است بخشی از این جامعه بوده باشند می‌کنند؟ بنابراین اینها مسیرهایی هستند که ما در پیش داریم. ما چند دقیقه اول خود را صرف بررسی کمی بیشتر قوانین جامعه خواهیم کرد.

نگاهی سریع به آن اینجا. این متنی است که در اسلاید اول دیدیم، وقتی به آن قطعه از، یا ببخشید، باید بگویم، ستون‌هایی از پیشوای حقوق نگاه کردیم. اما این یکی از قوانین جامعه است، و املاي آن بسیار بسیار متمایز است.

بیشتر از این وقتم را روی این موضوع نمی‌گذرانم. چیزی که می‌خواهم بدانید فقط یک چیز است. این دو کلمه اینجا شبیه هم هستند، و آنها آمین، آمین هستند.

بگذارید تأیید شود، بگذارید تأیید شود، و بعد از اینکه آنها چیزی می‌گویند، به خصوص در بخش‌های الهیاتی این متن، آنگاه پاسخی از سوی جماعت می‌آید. بفرمایید، آمین، آمین. کمی فکر کردن در مورد چگونگی ساختار این متن برای ما مفید خواهد بود، و این به ویژه مفید خواهد بود زیرا وقتی من فقط در مورد چند مورد، فقط چند مورد از جزئیات، هم از نظر الهیات و هم از نظر افراد درگیر صحبت می‌کنم، به مواردی اشاره خواهم کرد که در ستون ۵ یا ۷ یا ۱۱ یا چیزی شبیه به آن آمده است.

خب، ساختار این است. در چهار ستون اول، یک مقدمه‌ی الهیاتی داریم و از آن چیزهای زیادی یاد می‌گیریم. کمی بعد به آن برمی‌گردم.

ستون‌های ۵ تا بخشی از ستون ۶، می‌بینیم که جامعه چه کارهایی انجام داده است. این نیز بسیار مفید است. ما درمی‌یابیم که برای ورود به جامعه، برای ماندن در جامعه چه کارهایی لازم بوده است، و انواع محدودیت‌هایی که بخشی از زندگی جامعه بوده‌اند، چه بوده‌اند.

این به ما کمک می‌کند تا بین این جامعه و آنچه یوسفوس هنگام اشاره به اسنی‌ها در قرن اول در مورد آن صحبت خواهد کرد، ارتباط برقرار کنیم. تخلفات و مجازات‌ها مستقیماً دنبال می‌شوند. اگر کارهای نادرستی در جامعه انجام دهید، مجازات‌هایی علیه شما اعمال شده است و ما فقط به چند نمونه از آنها نگاه خواهیم کرد تا درکی از این موضوع داشته باشیم.

مقررات بیشتری ظاهر می‌شوند. اینها کمی متفاوت‌تر هستند، اما دیدن آنها مفید است. سپس پایان متن ما اساساً یک سرود است، و این سرود کسی است که استاد نامیده می‌شود.

قصه دارم کمی بیشتر شخصیت او را بررسی کنم، اما این ساختار اساسی ماست تا درکی از آنچه در آن وجود دارد، داشته باشیم. همانطور که از سوالات مقدماتی دیدیم، سوال بعدی که باید پرسیم این است که خب شخصیت‌های کلیدی که ظاهر می‌شوند چه کسانی هستند؟ این ما را مستقیماً به بخش آخر متن متصل می‌کند، که همانطور که گفتم، سرود استاد است. یکی از شخصیت‌های اصلی، شخصی به نام استاد است که نوعی دانش خاص و باطنی دارد.

فکر می‌کنم اگر در حلقه‌ی دیگری بودیم، شاید می‌توانستیم آن را نوعی عرفان بنامیم، اما او نقش‌های مهمی دارد. قرار است او تدریس کند. او جزو کسانی است که تعیین می‌کند آیا کسی واقعاً می‌تواند وارد جامعه شود یا نه، و البته، او الگوی ما در رعایت احکام و شخصیتی خواهد بود که خدا را ستایش و ستایش می‌کند.

از بعضی جهات، من او را به عنوان یک پادشاه در نظر نمی‌گیرم، اما او مطمئناً یک رهبر و رهبر قابل مشاهده است. همچنین، در مورد افراد مهم، اشاره شده است که مقام کاهنی برای این جامعه مهم است، و ما واقعاً داریم، و دوباره، عهدی را که از مدت‌ها پیش در سینا بسته شده است، به یاد داشته باشید. ما یک مقام کاهنی داریم، و یک قبیله لوی داریم که برای کمک به کاهنان خدمت می‌کنند و همه آنها با هم در زمینه خطاب به خدا و آمدن به حضور خدا کار می‌کنند.

در اینجا، آنها همچنین در حال بیان برکت و نفرین هستند. ما، در ارتباط با آن، گروهی به نام پسران زادوک داریم و نام زادوک را همانطور که در روایت‌های تاریخی کتاب مقدس ما و همچنین به عنوان یکی از کاهنان مهم نامگذاری شده آمده است، به خاطر خواهیم داشت. این می‌تواند یک شناسه مفید برای ما باشد زیرا اگر این افراد خود را پسران زادوک می‌دانند، و اگر زادوک به نوعی زیربنای جنبش پروتو-صدوقی ما باشد که با معبد مرتبط هستند، می‌توانیم برخی از ارتباطات احتمالی را نیز در آنجا ببینیم.

البته نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که همیشه به خاطر داشته باشید، این افرادی که در جامعه قمران هستند، خود را به عنوان یک نسخه پاک و خالص از کاهنان می‌بینند، برخلاف آنچه در اورشلیم جریان داشت. و سپس نه تنها در این متن، بلکه به ویژه در این متن، در مقدمه الهیاتی، شخصی به نام شاهزاده نور را داریم که قرار است در مقابل فرشته تاریخی قرار گیرد و البته، پسران نور و پسران تاریخی پشت سر آنها هستند و همه اینها به سمت آن نبرد بزرگ و فاجعه‌بار هدف قرار گرفته است. یک جامعه مشورتی؟ مطمئناً همینطور بود.

یک شورا وجود دارد. اگر خواهیم به این موضوع برگردیم، در مورد احکام یا ببخشید، رویه‌هایی در جامعه وجود داشت، موارد خاصی وجود داشت که شورا از نظر پذیرش و بحث و مشورت به آنها رسیدگی می‌کرد، و در داخل شورا، به وضوح یک سلسله مراتب وجود دارد. بنابراین حتی از آن فهرست چهره‌های کلیدی، ما به نوعی حس جالبی در مورد ماهیت این جامعه خواهیم رسید، فقط از همان بخش کوچکی که من خلاصه کرده‌ام و به شما گفته‌ام.

فقط برای مرور، اکثر مفاهیم الهیاتی، مهمترین مفاهیم الهیاتی، این یکی را یوسفوس نیز برای ما توصیف می‌کند، وقتی که گروهی را که او به عنوان اسنی‌ها می‌شناسد توصیف می‌کند. نوعی جبرگرایی در سراسر این [مطلب] نمایان است. این صرفاً چیزی نیست که ما احتمالاً از نظر الهیاتی آن را تقدیر می‌نامیم، بلکه به صورت تقدیر از پیش خود را نشان می‌دهد، و این کاملاً مشهود است.

همچنین وجود دارد، و این به ایده ما در مورد پسران نور، پسران تاریخی برمی‌گردد، اما ما همچنین در درون خود انسان‌ها، دوگانگی انسان‌شناختی، در درون خود انسان‌ها، روح حقیقت از یک سو، روح دروغ از سوی دیگر داریم. اتفاقاً، ما این را در دیگر مظاهر یهودیت در آن روز نیز می‌بینیم، اما مطمئناً در این زمینه خود را نشان می‌دهد. من نمی‌توانم به اندازه کافی تأکید کنم، بنابراین دوباره آن را با رنگ زرد می‌گویم: عهد، عهد، عهد، و آنها خود را وابسته به یک عهد جدید می‌دانند، برخلاف انواع چیزهایی که می‌دانند در حال وقوع بوده است.

فقط برای تکرار چیزی که قبلاً گفتم، اعضای این جامعه برای کاهنان و برای اسرائیل کفاره می‌دهند، و آنها این کار را بدون قربانی‌های سوختنی انجام می‌دهند، و ما شاهد تکرار آن خواهیم بود. می‌توانید چندین اشاره مختلف را در آنجا ببینید، ستون پنجم، اما همچنین ستون‌های هشتم و نهم، به این نکته اشاره می‌کنند که این جامعه، این پسران زادوق، این مردمان پاک آیینی، قرار است به عنوان کفاره عمل کنند. متن همچنین، آیه اول، به چندین مسیح اشاره می‌کند.

یک مسیح از هارون وجود دارد، اما از یک مسیح از اسرائیل نیز نام برده شده است، و بنابراین شما یک حس بسیار جالب خواهید دید، و البته، کسانی از ما که به مناصبی که در عیسی گرد هم آمده‌اند فکر می‌کنیم، ما در اینجا نقش کاهنی بزرگ و پادشاه بزرگ را در عیسی می‌بینیم، اما مسیح‌های هارون و اسرائیل در این جامعه به صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شوند، و سپس به یک معنا ما یک پیامبر نیز داریم که در این متن خاص به آن اشاره شده است. این متن می‌تواند خواندنی باشد. بیابید کمی به ادامه مطلب پردازیم و دوباره به چیزهایی فکر کنیم که با آنچه در یهودیت گسترده‌تر ما در جریان است، مرتبط هستند، که بخشی از آن در آن قرن اول، عمل مسیحی یهودی بود.

شما در این جامعه با پاشیدن آب‌های تصفیه‌کننده، پاکسازی را انجام می‌دهید. خب، این موضوع طنین‌های بسیار جالبی دارد؛ آب خالص، غوطه‌وری و پاشیدن آب در اینجا ذکر شده‌اند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، تأکید بر سلسله مراتب وجود دارد.

شما کاملاً یکی نیستید، اگرچه به نوعی از نظر اقتصادی، اجتماعی-اقتصادی، در شورا نوعی لایه‌بندی وجود دارد. با این اوصاف، همانطور که لحظه‌ای پیش اشاره کردم، آنها کارهایی را انجام می‌دهند که وظایف عادی مشتری هستند. آنها با هم غذا می‌خورند.

ضمناً، این یک وعده غذایی ویژه است، و جنبه‌های مهمی در مورد شرکت در آن وعده غذایی مشترک وجود دارد. فرد بلافاصله شروع به انجام آن نمی‌کند، اما به هر حال، آنها به طور مشترک غذا می‌خورند، به طور مشترک دعا می‌کنند، به طور مشترک مشورت می‌کنند، و مطالعه تورات ضروری است. در همه حال، باید کسی باشد که شبانه‌روز تورات را مطالعه کند، و البته، همانطور که اینجا برای شما ذکر می‌کنم، برای آنها اشعیا فصل ۴۰ آیه ۳ مهم است.

صدایی که در بیابان ندا می‌دهد، راه خداوند را آماده کنید، یا صدایی که در بیابان ندا می‌دهد، راه خداوند را آماده کنید، و البته نحوه‌ی تفکر شما در مورد عبارت «در بیابان» بسیار جالب است، و وقتی آن را به آماده کردن راه خداوند اضافه می‌کنید، البته، راه، مطالعه‌ی تورات است، بنابراین این واقعاً برای اینکه آنها چه کسانی هستند و چه کاری انجام می‌دهند، مرکزیت خواهد داشت. همانطور که لحظه‌ای پیش گفتم، آنها بلافاصله به صورت مشترک غذا نمی‌خورند. نه، برای اینکه واجد شرایط شرکت در وعده‌ی غذایی عمومی و سایر چیزهایی باشند که بخشی از این جامعه است، دو سال دوره‌ی آزمایشی وجود داشت تا اینکه آنها واقعاً به طور کامل عضو شوند، و البته، تعیین این موضوع به عهده‌ی شورا بود و استاد نیز بخشی از آن بود.

خب، همیشه خواندن فهرست کارهایی که اگر اشتباه انجام می‌دادند، جریمه‌های خاصی برایشان داشت جالب است. در ادامه، جریمه‌ها را شرح می‌دهم. اغلب، این‌ها را سر کلاس‌ها می‌خوانم و می‌توانیم مقایسه‌های جالبی انجام دهیم.

خب، البته، دروغ گفتن عمدی، فریب و تهمت شنیع هستند، و آنها در آن زمینه چنین بودند. به همین ترتیب، تلفظ تترگرامتون، چهار حرف، نام الهی، زیرا آنها فرمانی را که مردم را به بلند نکردن نام خداوند به پوچی تشویق می‌کرد، بسیار جدی می‌گرفتند. بنابراین، اگر این کار را می‌کردند، فوراً از جامعه اخراج می‌شدند.

در آن مورد، جریمه همین بود. با این حال، برخی از این تخلفات وجود دارند که کمی جدی‌تر هستند. مثلاً صحبت احمقانه یا قطع کردن حرف کسی، جریمه‌هایی را برای شما به همراه داشت.

یا خوابیدن در طول مراسم کلیسا هم جریمه‌هایی برای شما داشت. گفتم کلیسا؟ تجمعی که مستحق جریمه بود. برهنه شدن در مقابل یک همراه هم از نظر آنها یک مشکل بود، زیرا بدیهی است که شما چیزهایی را که باید خصوصی می‌بودند، افشا می‌کنید.

این یکی هم جالب است. بیشتر ما تف نمی‌کنیم، اما خیلی وقت‌ها احمقانه می‌خندیم، و هر دوی این‌ها هم مستحق جریمه بودند. جریمه‌های دیگری هم وجود دارد، اما خب، ماهیت سفت و سخت این جامعه را درک می‌کنید، چون به نظر می‌رسید که همیشه احتمالاً چیزی شبیه به پلیس محلی وجود داشته تا ببیند آیا شما این چیزها را می‌شکنید یا نه.

و البته، انواع مختلف مجازات، بسته به شدت جرم شما، می‌تواند این باشد که مثلاً برای مدتی در وعده غذایی عمومی شرکت نکنید. و باز هم، این فقط صرف شام با هم نبود. این کار اجزای مذهبی بسیار واضحی داشت.

یا شاید غذای شما به شدت جیره‌بندی شده بود. یا مثلاً اگر به خاطر به زبان آوردن نام الهی، اخراج هم همیشه محتمل بود. همین برای گفتن در مورد حکومت اجتماعی کافی است.

امیدوارم برای تشویق شما به بررسی بیشتر کافی باشد. اکنون می‌خواهم از چیزهایی که جامعه را آنطور که خود را درک می‌کنند تعریف می‌کنند، به تفسیر روی بیاورم. و باز هم، این بخش‌های تفسیر، متن کاملی نیستند که در آن تصویر دیدید.

بعضی از قسمت‌ها گم شده‌اند. جاهای خالی وجود دارد، اما به اندازه کافی اطلاعات داریم که بتوانیم با آنها کار کنیم. فقط یک یادآوری دوباره، پیش‌تر کلمه خاصی است که به معنای تفسیر است.

کلمات دیگری در زبان عبری وجود دارند که به معنای تفسیر هستند، اما این یک مؤلفه تفسیری بسیار کلیدی دارد، به این صورت که آنها این متون را می‌بینند؛ هر متنی که از کتاب مقدس باشد، آنها را به عنوان متونی که به آنها مربوط می‌شود، در نظر می‌گیرند. آنها به نوعی موضع خود را تغییر می‌دهند و اصلاح می‌کنند، اما آنها آن متون را به عنوان متونی که به آنها مربوط می‌شود، همانطور که خود را در روزهای آخر درک می‌کردند، در نظر می‌گیرند. بنابراین، می‌خواهیم این را در نظر داشته باشیم که چگونه به جلو حرکت می‌کنیم.

اولین کاری که این متون انجام می‌دهند، نقل قول از بخشی از یک آیه کتاب مقدس است. من اینجا یک آیه کتاب مقدس دارم، اما آنها در واقع این کار را به صورت عباراتی انجام می‌دهند. بدیهی است که انتظار می‌رود مخاطب کل آیه را بداند.

دنبال می‌شود. پسوند پدیدارشناختی به اسم متصل می‌شود pishro با

خب، این یه توضیحیه. خیلی خب. این چیزیه که قراره ببینید

و سپس، همانطور که لحظه‌ای پیش خلاصه کردم، بیا بید کمی دقیق‌تر به این موضوع پردازیم. هر متن نبوی یا بخش‌هایی از متون که اتفاق افتاده باشد، خواننده و اصلاح شده است، اگر بخواهید، برای نشان دادن هر اتفاقی که قرار بود در متن آنها رخ دهد. بنابراین اگر فاجعه‌ای فاجعه‌بار در ناحوم پیشگویی شده بود، و این اتفاق افتاد، یا اگر در حبقوق پیشگویی شده بود و این اتفاق افتاد، آنها آن را طوری بازسازی کردند که شبیه چیزی باشد که قرار بود در متن معاصر خودشان اتفاق بیفتد.

بنابراین، آشور دشمن اصلی ناحوم است. بابل دشمن اصلی زمان حبقوق بود. اینها در این متون، کتیم نامیده می‌شوند.

حالا این یک مسئله‌ی کاملاً متفاوت است. ما کتی‌ها را در کتاب دانیال داریم و به نظر می‌رسد که آنها مردمی هستند که از جزایری در جایی در غرب آمده‌اند. اما در این متون، آنها به وضوح رومی هستند.

من وقت نمی‌گذارم توضیح دهم که چگونه این موضوع، به خصوص در تفسیر حبقوق، روشن می‌شود، اما روشن است. بنابراین، آنها آنها را رومی می‌دانند و این مهم خواهد بود زیرا اواسط قرن دوم است که نیروی روم شروع به احساس خود کرد. مطمئناً، ما مرد سلوکی و تأثیر هلنیسم را داریم و آنتیوخوس اپیفانس را داریم، اما حتی در آن زمینه، روم خود را نشان می‌دهد.

پس، این را در نظر داشته باشید. این مهم خواهد بود. و بعد، فقط برای تکرار آنچه قبلاً گفتم، این نمایانگر نزاع جامعه قمران علیه بقیه یهودیان خواهد بود.

،اوه، بفرمایید. آنها تنها کسانی هستند که پاک هستند. و در مورد نزاعی که آنها با بقیه جامعه یهود دارند، خوب، استفاده از حبقوق خیلی مفید است چون حبقوق از همین جا شروع می‌شود.

خب، کمی بعد به آن برمی‌گردیم. چالش این متون این است که رمزآلود هستند. آنها از برجسبها برای اشاره به افراد یا گروه‌های خاصی از افراد استفاده می‌کنند و کمی کاوش لازم است تا بفهمیم دقیقاً چه کسانی ممکن است باشند.

اما ما از کمک‌هایی برخورداریم، و بنابراین راه‌هایی وجود دارد که حداقل می‌توانیم سعی کنیم آنها را در وقایعی که در قرن دوم و اول پیش از میلاد رخ می‌دهند، وارد کنیم. بیایید ببینیم که این کار ابتدا با پیشوای ناحوم ما چگونه انجام می‌شود. سوال این است که چرا ناحوم؟ همانطور که لحظه‌ای پیش گفتم، این یک متن کوچک است.

ضمناً، بخش‌هایی از کتاب اشعیا هم تکه‌هایی از پسر را در خود جای داده است، اما این‌ها مفصل‌تر هستند. و فقط برای پاسخ به سوال خودم، همانطور که گفتم، ناحوم را داریم که علیه آشور پیشگویی می‌کند. بنابراین این متن کاملی از متن کتاب مقدس می‌شود که در آن می‌توان این مسائلی را که لحظه‌ای پیش در موردشان صحبت می‌کردیم، شکل داد.

بنابراین، شخصیت‌های اصلی ما در اینجا، دوباره، کتی‌ها خواهند بود، نماینده رومی‌هایی که به آرامی از غرب تجاوز می‌کردند. همچنین شخصیتی دارید که، چگونه بگوییم، شاید با شیر جوان خشمگین نمادین شده باشد. حال در فصل دوم ناحوم، اشارات متعددی به شیرها، توله شیرها و غیره وجود دارد.

و سوال این خواهد بود که آن شیر جوان خشمگین چه کرد؟ من متن یا بخشی از آن را در ادامه جلوی رویمان قرار می‌دهم تا کمی بیشتر با آن پیش برویم. اما یک گروه بسیار جالب هم وجود دارد که حداقل در برخی از ترجمه‌ها، جویندگان چیزهای نرم نامیده می‌شوند. و آنها فقط یک بار ظاهر نمی‌شوند.

آنها به نوعی اینجا هستند و قرار است این حس را به ما بدهند که این جامعه آنها را به عنوان افراد خیلی خوب نمی‌شناسد. باز هم، متنی را جلوی خودمان می‌گذاریم و به چند نمونه از این مثال‌ها نگاه می‌کنیم. و به این سوال برمی‌گردیم که آنها که بودند و چه کردند؟ ما در این ناحوم پسر چند شخصیت با نام داریم.

ما کسی به نام دیمیتریوس را داریم. کسی به نام آنتیوخوس را. و بلافاصله شما می‌گویید، هورا، می‌توانیم تشخیص دهیم این کیست و چه زمانی مناسب است.

. اما می‌دانید چیست؟ چندین دیمیتریوس در صحنه حضور دارند. چندین آنتیوخوس در صحنه حضور دارند. اگر می‌خواهید داستانی بسیار پیچیده و شاید خواب‌آور بخوانید، داستان یوسفوس را در مورد این دوره زمانی بخوانید زیرا با این کار از تمام تعاملات، فعل و انفعالات و اتفاقاتی که در جریان بود، مطلع می‌شوید.

و همچنین شخصیت‌های متعددی را با این نام‌ها می‌بینید. با این حال، با وجود همه این‌ها، بیایید ببینیم آیا می‌توانیم برخی از ارتباطات تاریخی احتمالی را پیدا کنیم یا خیر. و من قصد دارم ابتدا با استناد به بخشی از خود متن کتاب مقدس این کار را انجام دهم.

سپس متن پسر را اینجا قرار می‌دهیم و شما فونت‌های مختلفی را خواهید دید که فکر می‌کنم به ما در درک آنچه اتفاق می‌افتد کمک می‌کند. بنابراین، در فصل دوم ناحوم، شما به سادگی این عبارت یا بیان را در

پیشگویی ناحوم دارید: هر جا که شیر می‌رود، توله شیر آنجاست، بدون هیچ مزاحمی به راه خود ادامه می‌دهد. خب، متن پیش اینجاست.

پیشرو این را مربوط به دیمیتریوس، پادشاه مصر، تفسیر کرد که به دنبال عضویت در شورای کسانی بود که به دنبال چیزهای بی‌دردسر بودند. باز هم، بنابراین ما کمی برداشت منفی داریم زیرا او تلاش می‌کند، او پادشاه یونان است، که احتمالاً انواع اتفاقات بد را به همراه خواهد داشت. به هر حال، او در تلاش است تا وارد اورشلیم شود، درست است؟ به دنبال عضویت در شورای کسانی بود که به دنبال چیزهای بی‌دردسر برای ورود به اورشلیم بودند.

و بعد از بعضی چیزها صرف نظر کردم. او از زمان آنتیوخوس تا آمدن حاکمان کتیم در دست پادشاهان یونان است. اما سپس، اورشلیم، زیر پا لگدمال خواهد شد.

بنابراین دوباره، ما دیمیتریوس را می‌بینیم، هر کسی که باشد، او یک حاکم هلنیستی در جایی است که می‌خواهد به اورشلیم بیاید. ما یک بازه زمانی می‌بینیم، مثلاً آنتیوخوس؛ آیا این سومین است؟ آیا چهارمین است؟ پنجمین. و سپس آمدن حاکمان کتیم را داریم.

و باز هم، ما اشاراتی به ظهور آنها، به ویژه در سال ۱۶۰ و پس از میلاد مسیح داریم. خب، بیایید اول، و به زودی به مثال دیگری خواهیم رسید، اما بیایید ابتدا در مورد این جویندگان چیزهای بی‌دردسر صحبت کنیم زیرا سوالی که قبلاً از شما پرسیدم این بود که آنها چه کسانی بودند؟ و سپس درست در ابتدا نظری دادم مبنی بر اینکه به نظر می‌رسد این جامعه نگاه چندان مثبتی به فریسیان نداشت. و باور کنید یا نه، می‌توانیم اینها را کنار هم بگذاریم زیرا جویندگان چیزهای بی‌دردسر را می‌بینید.

و حالا فقط به تلفظ من گوش کن، که قرار نیست بی‌نقص باشد، اما فکر می‌کنم کمکت کند. هلاکت. بگذار دوباره بگویم.

هلاکوت. هلاکو به معنای لغزنده یا نرم است، لغزنده یا نرم بودن. و بنابراین هلاکوت، چیزهای نرم.

این کلمه پایانی ندارد. یعنی جمع مونث است. بنابراین، ما افرادی داریم که دنبال چیزهای نرم و لطیف هستند.

. هلاکوت. حالا به کلمه دیگری گوش کن. هلاکوت را شنیدی.

حالا، می‌خواهم بحث را عوض کنم. قرار است شباهت‌هایی وجود داشته باشد، اما تفاوت‌هایی هم وجود دارد. هلاکوت.

هلاکوت. هلاکا به معنای روشی است که در آن گام برمی‌دارید و رفتار می‌کنید. از هلاکوت گرفته شده است. که به معنای ساده راه رفتن یا رفتن است.

معلوم شد که گروه ما بعداً خود را فریسی نامیدند. این یک نوع فریسی اولیه است. اما افرادی که این کار را انجام دادند، خیلی نگران تعریف نحوه رفتار مردم بودند، یعنی خطاب به هلاکوت.

به گفته اکثر محققانی که در این مورد فکر می‌کنند، ما در اینجا یک جناس بسیار جالب و یک روش زبانی، مرموز برای اشاره به این افراد داریم: جویندگان چیزهای نرم. این خیلی خوب نیست و احتمالاً فریبنده است در حالی که جنبش پروتو-فریسی به هلاکوت مربوط می‌شود. ضمناً، این اصطلاحی است که وقتی در مورد ادبیات ربی صحبت می‌کنیم، به آن باز خواهیم گشت.

بنابراین، کار ما با هلاخا یا هلاکوت تمام نشده است، اما فکر می‌کنم حداقل اینجا هم به ما کمک می‌کند. از نظر نحوه‌ی کارکرد آن در متن، حتی در این ناحوم پشر، می‌بینیم که شش بار ظاهر می‌شود. و ضمناً، ناحوم پشر بسیار مختصر است، بنابراین بدیهی است که این یک گروه مشهور است.

و طرز نگاه جامعه به این افراد، این افراد را خائن می‌داند، می‌دانید؟ لغزنده. لغزنده. لغزنده.

سپس آموزه‌های نادرست، افرایم و منسی را از راه به در کرد. اینها نام قبایل برجسته اسرائیل هستند که پادشاهی‌های شمالی و مناطق قبیله‌ای بوده‌اند و در خود کتاب ناحوم به آنها اشاره شده است. بنابراین، شما خود جامعه را دارید، به بیرون نگاه می‌کنند، یونان را می‌بینند، تیم کلیدی را می‌بینند، جویندگان چیزهای هموار را می‌بینند.

همه آنها باطل هستند و همه آنها در تضاد با جامعه هستند، بنابراین همه آنها دشمن جامعه هستند. در اینجا مثال دیگری می‌زنیم.

و دوباره، من فقط دارم به سرعت از بین اینها عبور می‌کنم تا کمی درک کنیم. به همین ترتیب، در فصل دوم کمی بعد از متن، به لحظه‌ای پیش نگاه کردیم، هنوز روی شیرها. شیر غارهایش را با طعمه و لانه‌هایش را با قربانیان پر می‌کند، باشه؟ لانه‌ها با قربانیان.

خب، دوباره شروع می‌کنیم. تفسیر شده، پیشرو. این مربوط به شیر جوان خشمگینی است که اینجا کمی فاصله دارد و از کسانی که به دنبال چیزهای نرم هستند انتقام می‌گیرد.

به عبارت دیگر، این شیر جوان خشمگین هر که باشد، و نامی از او برده نشده، به دنبال جویندگان چیزهای نرم، یعنی فریسیان، یا به سوی کسانی می‌رود که یوسفوس آنها را فریسیان توصیف خواهد کرد. و او مردان را زنده به دار می‌آویزد، قبلاً در اسرائیل. او اعلام می‌کند که به خاطر مردی که زنده به دار آویخته شده، و سپس نقل قول دیگری می‌گوید، بنگرید، من علیه شما هستم، می‌گوید خداوند لشکرها.

یک نقل قول از کتاب مقدس اینجا مطرح می‌شود. فقط یک حاشیه سریع: توجه کنید که چگونه این نویسندگان این اسناد، هر کسی که بودند، تا این حد با متن کتاب مقدس ارتباط برقرار کردند. آنها قطعاً این را می‌دانستند.

آنها همه چیز را با هم قاطی می‌کردند، اما بعد آن را در متن خودشان دارند. خب، فقط چند نکته، و بعد می‌خواهم چیزی از یوسفوس نقل کنم که ممکن است در مورد این مرد زنده به دار آویخته شده و شیر جوان خشمگین به ما کمک کند. مصلوب شدن در متون یهودی ما به عنوان زنده به دار آویخته شدن تلقی می‌شد.

و فقط برای یادآوری، و ما این را از خواندن تثنیه ۲۱ می‌دانیم، فقط اجساد مردگان باید بر درختان آویزان می‌شدند، درست است؟ طبق تورات کتاب مقدس، فقط اجساد مردگان. و البته، آن متن به ما می‌گوید که اگر کسی بر درخت آویزان شود، نشان دهنده این است که او تحت نفرین خداست. رومی‌ها از مصلوب شدن زیاد استفاده می‌کردند، اما قبل از آن هم مرسوم بود.

آشوری‌ها این کار را کردند، اما مصلوب شدن مثل زنده به گور شدن است. با این پیش‌زمینه، متن پشر ما، و همچنین همین درک، می‌توانیم به چیزی که یوسفوس به ما می‌گوید نگاه کنیم. من بخشی از آن را نقل می‌کنم. تا شاید درکی از آنچه ممکن است اتفاق افتاده باشد، به دست آورم.

خلاصه داستان این است که شخصی به نام الکساندر ژانیوس، در اوایل قرن اول پیش از میلاد، اصلاً با فریسیان کنار نمی‌آمد. بنابراین در اینجا بخش کوتاهی از توصیف یوسفوس در جنگ یهودیان را داریم. در مورد الکساندر ژانیوس، که تا اینجا درباره‌اش صحبت می‌کرد، خشم او چنان افراطی شده بود که وحشیگری‌اش به درجه بی‌دینی رسیده بود.

زیرا هنگامی که دستور داد ۸۰۰ نفر را در وسط شهر به صلیب بکشند، گوی زنان و فرزندان‌شان را جلوی چشمانشان بریدند. و این اعدام‌ها را او در حالی دید که با کنیزان خود مشغول نوشیدن و خوابیدن بود. بخش پیشین در مورد انزجار او از فریسیان صحبت می‌کند.

این درباره شورش کامل است که علیه او رخ داد، و دوران خشونت‌باری است، اما توجه کنید که او چگونه واکنش نشان داده است. نقل قول دیگری از جوزفوس، که ممکن است به همین نوع چیز اشاره داشته باشد، مطمئناً به ما در مورد الکساندر جانائوس حس بیشتری می‌دهد. ادامه خواندن این زمان از آثار باستانی، آثار باستانی جوزفوس به جای جنگ‌ها.

در مورد الکساندر ژانیوس، مردم خودش علیه او فتنه‌انگیز بودند. و همانطور که لحظه‌ای پیش گفتم، می‌بینید، که این موضوع در همه این زمینه‌ها در حال جوشیدن است. در جشنواره‌ای که سپس جشن گرفته می‌شد، این جشنواره خیمه‌ها یا سوکوت است.

وقتی او بر روی قربانگاه ایستاد و قصد قربانی کردن داشت، قوم بر او هجوم آوردند و لیموترش، یکی از چهار میوه‌ای که برای آن عید داشتند و در آن زمان در دست داشتند، به سویس پرتاب کردند، زیرا طبق شریعت یهود، در عید خیمه‌ها، همه باید شاخه‌های درخت نخل و لیموترش داشته باشند. و او می‌گوید که چگونه یهودیان این کار را در جاهای دیگر انجام داده‌اند. آنها همچنین او را به عنوان کسی که از یک اسیر آمده و آنقدر بی‌ارزش است که لیاقت مقام و منزلت خود را ندارد و نمی‌تواند آن را قربانی کند، مورد سرزنش قرار دادند.

او خشمگین بود و حدود ۶۰۰۰ نفر از آنها را کشت. این یکی به مصلوب شدن اشاره نمی‌کند، اما مطمئناً، شخصیت الکساندر جانائوس را می‌بینیم و مطمئناً می‌توانیم درک کنیم که چرا این متن، این تفسیر ناحوم واقعاً درباره یک شیر جوان خشمگین و مصلوب شدن صحبت می‌کند. اگر این ارتباط را برقرار کنیم، یکی از کارهایی که می‌توانیم انجام دهیم این است که بگوییم، بسیار خوب، این متن خاص در اوایل قرن اول قبل از میلاد نوشته شده است، اگر به آن اشاره می‌کند.

خب، این یه کم به ما کمک می‌کنه. بریم ببینیم با حبقوق پیش‌چیکار می‌تونیم بکنیم. تو این ستون، اوه منظورم این نبود که اینجوری برگردم عقب.

بفرمایید. این بخشی از پیشوای حبقوق است. و ما در واقع، درست قبل از این بخش، آیه معروف خود را داریم، عادل به ایمان زیست خواهد کرد.

پیشرو را داریم. خیلی خب.

و سپس فراتر از آن نقطه می‌رود. اگر وقت داشتیم، آن دسته از شما که عبری می‌خوانید، می‌توانند کمی با آن بازی کنند. اما این تفسیری بر آن آیه بسیار مهم در حبقوق ۲: ۴ است. اما دوباره کمی پیش‌زمینه برای رسیدن به پیش‌زمینه اینجا.

همانطور که در فصل اول کتاب حبقوق می‌خوانیم، در شش آیه اول، حبقوق می‌گوید: «خداوند، آیا نمی‌بینید چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ آیا این همه شر را نمی‌بینید؟ آیا نمی‌بینید که مردم تورات را نادیده می‌گیرند؟ بنابراین، ابتدا او به شر درونی می‌پردازد. اما البته، وقتی او این شکایت را به حضور خداوند می‌آورد، پاسخ خدا را دریافت می‌کنید. و پاسخ این است که شما هنوز چیزی ندیده‌اید»

بابلی‌ها دارند می‌آیند. و حبقوق قرار است این موضوع را در ادامه‌ی فصل اول ادامه دهد و سپس به فصل دوم برود، جایی که ما نصیحت خدا به او را داریم که صبر کند، صبر کند، و آنگاه عادل با ایمان زیست خواهد کرد. پس حالا بیایید آن را تجزیه و تحلیل کنیم

این خلاصه‌ی خیلی سریعی بود. می‌توانید برگردید و آن را بخوانید. اما آن را از دریچه‌ی جامعه‌ی قمران ببینید

این شر درونی که حبقوق، دوباره، به یاد می‌آورد، حبقوق در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن ششم قبل از میلاد، سال‌های ۵۸۶، ۵۸۷، پیشگویی می‌کند. این دوره زمانی قرن ششم ماست، درست قبل از اینکه بابلی‌ها یهودا را تصرف کنند. شر درونی که من برای شما توصیف کردم، جامعه قمران این توصیفات را می‌گیرد و می‌گوید، ما با چهره‌های بسیار وحشتناکی روبرو هستیم که آنها را تجربه کرده‌ایم، شر هستند، بخشی از خود یهودیت هستند، که از بافت اورشلیم بیرون آمده‌اند

یکی از آنها قرار است کاهن شرور نامیده شود. بسیار خب. بنابراین آن شر درونی در قالب کاهن شرور تجسم می‌یابد، و او همچنین القاب دیگری نیز به خود می‌گیرد، دروغگو و دروغگو

،تفسیر حبقوق می‌گوید، خدا قرار است به این موضوع رسیدگی کند، اما این تیم کلیدی خواهد بود که می‌آید، درست است؟ تیم کلیدی، رومی‌ها، می‌آیند و سپس آن افرادی هستند که بابلی‌ها خواهند بود. و البته، از طریق جامعه قمران ما، جامعه عهد، این اتفاق در روزهای آخر خواهد افتاد. آنها، باز هم، نسل نهایی هستند

بنابراین، بیایید کمی این وقایع را بازسازی کنیم و ببینیم چه داریم. باز هم، من تکه‌هایی از خود متن را ترسیم می‌کنم. همانطور که تفسیر حبقوق این را توصیف می‌کند، ما یک کاهن داریم

معلوم می‌شود که شرور است. او خوب شروع می‌کند، اما فاسد می‌شود. دوباره، به بخش کوچکی که به شما گفتم و آنچه که ممکن است بخواهید در مورد آن بیشتر بخوانید، فکر کنید

قرن دوم پیش از میلاد، از نظر آنچه در چارچوب معبد اتفاق می‌افتاد و کاهنان در چارچوب وسیع‌تر هلنیستی به بالاترین پیشنهاد دهنده خرید و فروش می‌شدند، اتفاقات وحشتناکی رخ می‌داد، درست است؟ فاسد شده است. بنابراین، او در آن سراشی تند و زننده افتاده است. اورشلیم نجس شده است، و معبد نیز نجس شده است.

در نتیجه، کسی، شخصیتی در این متن که بارها معلم عدالت نامیده می‌شود، در ابتدا با کاهن شرور مخالفت می‌کند، اما در نهایت، چون او در اقلیت است و گروهش کناره‌گیری می‌کند، به جامعه‌ی پیمانی می‌پیوندد. و ما در واقع شاهد بخش کوچکی از زشتی این رویارویی هستیم. باز هم، باید کل مطلب را بخوانید تا متوجه شوید.

اما بیایید حداقل به یکی از وحشتناک‌ترین وقایعی که در این زمینه توصیف شده است، نگاهی بیندازیم. حبقوق ۲:۱۵، بخش دوم آیه، وای بر کسی که زهر خود را می‌ریزد تا آنها را مست کند تا بتواند برهنگی آنها را ببیند. برخی از مشکلات ترجمه، بخشی از این مشکل هستند، از نظر نحوه نمایش پسه

اما این آیه است. حالا، پیشرو، جامعه‌ی قومران ما ادامه می‌دهد و می‌گوید، این کاهن شرور است که نه تنها، تمام کارهایی را که ما در موردش صحبت کردیم انجام داده، بلکه این کاهن شرور، معلم عدالت، موره صدق را تا خانه‌ی تبعیدش تعقیب کرده است، تا او را با خشم زهراآگین خود که به آیه مرتبط است، گیج کند. و اگر او در روز کفاره زمانی را برای استراحت تعیین کرد، در برابر آنها ظاهر شد تا آنها را گیج کند و باعث شود در روز روزه، سبت استراحتشان، لغزش بخورند.

حالا، اگر هنوز کاملاً متوجه نشده‌ایم، به این فکر کنید که چقدر وحشتناک است. اساساً، روز کفاره همانطور که از خواندن جزئیات لاویان ۱۶ می‌دانیم، نه تنها یک روز روزه، بلکه روزه گرفتن از همه چیز بود. این روز، مقدس‌ترین روز سال بود.

حتی امروز، اورشلیم اساساً به اندازه یک نسل پیش نیست، و اساساً در روز کفاره تعطیل می‌شود. اما اینجا کسی را داریم، کاهن شرور، که بسیار کینه‌توز است و آنچه را که از نظر تقویم آیینی آنها اتفاق می‌افتد نادیده می‌گیرد، ظاهراً به سمت آرامش، پناهگاه جامعه قمران، می‌آید و معلم عدالت را در آنجا دنبال می‌کند. حالا فقط یک چیز دیگر، زیرا شاید کمی مقدمه‌ای برای متنی باشد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

به نظر می‌رسید که این جامعه بر اساس یک تقویم خورشیدی، ۳۶۴ روز در سال، عمل می‌کرد و اگر برخی از متون دیگر قمران را بخوانید، کاملاً واضح است که آنها یک تقویم خورشیدی در پشت خود دارند. بخش‌های دیگر یهودیت بر اساس چیزی که تقویم قمری نامیده می‌شود، عمل می‌کردند، و بنابراین می‌توانید یک مسئله جالب نیز در پشت این رویارویی داشته باشید، از نظر اینکه آیا اشراف اورشلیم و سلسله مراتب اورشلیم شاید قادر به انجام این کار بودند یا خیر، کاهن شرور قادر به انجام این کار بود، زیرا تقویم او متفاوت بود، روز کفاره او در نهایت متفاوت بود. خوب، چیزهای زیادی وجود دارد که هنوز مورد سوال هستند، اما این به ما کمی درک می‌دهد که چگونه برخی از این متون و جامعه‌ای که آنها را نوشته‌اند را در یک زمینه تاریخی قرار دهیم.

این به ما کمی درک می‌دهد که این جامعه چه تفاوت‌ها و برداشت‌هایی از شرارت و وحشتی که در اورشلیم می‌گذرد، دارد، و همچنین به ما کمی درک می‌دهد که چگونه آنها بخش‌ها و بخش‌هایی از تفسیر را انجام داده‌اند. این سومین مورد ماست و من به مسائل تقویم اشاره کردم زیرا ممکن است ارتباطی در اینجا وجود می‌کشد. معس‌ها - MMT، قمران، و سپس Q4، داشته باشد. پیشنهاد این است که شاید این متن تورات. من به زودی به این موضوع برمی‌گردم، زیرا یکی از بخش‌های این متن، به نظر می‌رسد لحن آشتی جویانه‌ای دارد.

به عبارت دیگر، بخشی وجود دارد که به نظر می‌رسد نویسنده متن به مخاطبان خود می‌گوید، بیایید دوباره دور هم جمع شویم و ببینیم آیا می‌توانیم بر برخی از این اختلافات غلبه کنیم. این لحنی کاملاً متفاوت از چیزی است که در پیشوای حبقوق می‌بینیم، جایی که کاهن شرور به دنبال معلم عدالت در جامعه است. بنابراین پیشنهاد این است که اگر واقعاً لحنی آشتی جویانه‌تر را منعکس می‌کند، می‌توانست کمی زودتر نوشته شود.

با درخواست از رهبر جامعه برای هر آنچه که در اورشلیم اتفاق می‌افتد، پایان می‌یابد. عبارت میقسط معاسه توسط برخی از احکام تورات ترجمه شده است، و اگرچه کمی مبهم است که آن مستطیل کجاست، اما جایی است که آن متن قرار دارد. برخی افراد سعی کرده‌اند رابطه‌ای با پولس برقرار کنند.

اگر بخواهید یا نخواهید، می‌توانید به آن سمت بروید، اما حداقل چیزی که به این متن نام مشخص کننده‌اش را داده، اینجاست. بیایید چند مضمون الهیاتی را بررسی کنیم و سپس کمی بیشتر بگوییم. لحظه‌ای پیش، اشاره کردم که به نظر می‌رسد جامعه قمران، خوب نه به نظر می‌رسد، در تقویم متفاوتی بوده است.

برخی از متون دیگر این موضوع را کاملاً روشن می‌کنند، اما معلوم می‌شود که این متن ممکن است، و من می‌گویم، احتمالاً در بخش اول یک تقویم داشته باشد. حالا از من می‌پرسید، پس چرا اینقدر در مورد آن مردد واقعاً در غار شماره چهار پیدا شد. و بگذارید QMMT هستی؟ خب، می‌قسط متن معاسه ها-تورات برای چیزی را که در سخنرانی قبلی مان گفتیم به شما یادآوری کنم.

ظاهراً غار چهارم کتابخانه‌ی این جامعه بوده است. غار چهارم، برخلاف بقیه‌ی غارها، طومارهای نگهداری‌شده در کوزه نداشت، که باعث می‌شد آنها خیلی بهتر حفظ شوند. ظاهراً طومارها فقط در قفسه‌ها نگهداری می‌شدند و البته وقتی آنها متلاشی می‌شدند و طومارها می‌افتادند، به قطعات بسیار کوچکی تبدیل می‌شدند.

من در سخنرانی قبلی در مورد این موضوع صحبت کردم. همانطور که مشخص شد، این متن خاص شش بخش مختلف دارد. برای اینکه آن را کنار هم قرار دهید، باید نوعی متن ترکیبی بسازید و به همین دلیل است که ما کمی در کنار هم قرار دادن آنچه که ممکن است در واقع کل متن بوده باشد، مشکل داریم.

بنابراین، به نظر می‌رسد که بخش اول ممکن است کمی بحث در مورد مسائل تقویمی بوده باشد. چیزی که واقعاً واضح است بخش عمده آن است که مربوط به طهارت است. در واقع، در مورد مطالب مربوط به لایوان و چیزهایی که در تثنیه آمده است صحبت می‌کند و اصطلاحات بسیار بسیار خاصی در مورد اصول طهارت، اصول حفظ طهارت، چگونگی درک طهارت، چگونگی درک طهارت در معبد، در اورشلیم، حوزه‌های طهارت صحبت می‌کند.

می‌توانید در این زمینه ادامه دهید. اما سپس این بخش سوم را دارید که همانطور که گفتیم، ظاهراً بر اساس یا از جانب نویسنده، درخواستی برای بازگشت به تشکیلات اورشلیم وجود دارد. و به عنوان بخشی از انجام این کار، نویسنده می‌گوید، دوست دارد شما بیایید و آنچه را که در کتب موسی، انبیا و داوود نوشته شده است بخوانید، باز هم، اینجا چند جای خالی وجود دارد، دور از دور.

و البته، دور به معنی نسل است. بنابراین، داوود به نسل به نسل. حالا می‌خواهم کمی بعد به این موضوع برگردم، اما آن داوود به دور یک در می‌تواند منعکس کننده چیزهایی باشد که در محدوده داوود و مزامیر از یک سو، و سپس وقایع‌نگاری‌ها، که از ابتدا شروع می‌شود، چیزی که ما به عنوان وقایع‌نگاری‌های اول می‌شناسیم، با توسل به شجره‌نامه‌ها، در یک در.

یک موضوع الهیاتی دیگر. من لحظه‌ای پیش به این اشاره کردم. در بخش اصلی طهارت از بخش‌های لایوان، مباحث قابل توجهی وجود دارد.

خب، فقط به نکته‌ی کوتاه. این بخش ما همینجاست. از اون نقطه شروع میشه، و شما سپهر مو رو اونجا می‌بینین.

و بعد ادامه پیدا می‌کند و به نوعی با هم گره می‌خورد. اما اینجا شما داوود و در یک در را دارید. و بنابراین پیشنهاد این است که این ممکن است بازتابی باشد، شاید بازتابی از نوعی حس در جامعه قمران از تورات موسی.

مشکلی نیست. در آن زمان همه این را پذیرفته بودند، اما بخشی از کتاب مقدس عبری، نوییم، انبیا، و سپس احتمالاً بخش سومی که می‌توانیم آن را مزامیر داوود بنامیم تا وقایع‌نگاری. البته، همه اینها در زمان خود در طومارها وجود داشته‌اند.

و بنابراین اینکه ما چگونه به بخش‌های داخلی آن فکر می‌کنیم، مسئله‌ی دیگری است. من در یک سخنرانی دیگر به آن برمی‌گردم، اما حداقل این را داریم که در مورد بیرون آمدن از جامعه‌ی قمران خود فکر کنیم. خوب، بسیار خوب.

این سه نگاه بسیار کوتاه به سه متن بود، در واقع چهار متن، دو متن فشار جداگانه. اما می‌خواهم فقط یک طرح کلی سریع از جامعه قمران از یک سو و مسیحیت از سوی دیگر ارائه دهم، ابتدا به شباهت‌های بین هر کسی که در قمران در طول سال‌های شکل‌گیری آنها به عنوان یک جامعه زندگی می‌کرد و سپس مسیحیت نگاهی می‌اندازم. و البته، یکپارچه کردن هر یک از این دو چالشی است، اما حداقل بیایید ببینیم چه چیزی آنها را مشخص می‌کند.

تمرکز بر عهد و پیمان به وضوح وجود دارد. از برخی جهات، تمرکز بر زمین نیز وجود دارد، اما نه به اندازه‌ای که در برخی دیگر از نوشته‌های یهودی دیده‌اید. به این موضوع باز خواهیم گشت.

هر دو محافظه‌کار و مؤمن هستند. اگرچه انواع مختلفی از این رویکرد وجود دارد، اما هر دو رویکرد آخرالزمانی، و کاملاً مبتنی بر کتاب مقدس هستند؛ هم عهد جدید و هم مطالب قمران نقل قول‌های مهمی از تثنیه نماینده تورات، اشعیا نماینده انبیا، و سپس مزامیر نماینده آن بخش سوم دارند. درک واضح و روشنی از قلمروهای ماوراءالطبیعه و موجودات در قلمروهای ماوراءالطبیعه، انتظار آشکار مسیح

و اگرچه کاملاً متفاوت است، طومار قومران در کیپ ۱۱ وجود دارد که در آن، ملک‌یصدق عمدتاً به عنوان یک شخصیت داوری کننده مورد بحث قرار می‌گیرد. در آنجا عشقی وجود دارد، اگرچه برای قومران، این عشق نوعی عشق شکسته به اورشلیم و معبد است. و سپس احساسی از روح انسانی ساکن در آن وجود دارد.

و سپس درک آنها، البته، از انسان‌ها و آنچه ما آن را هامارتیولوژی، گناه، بخشش، دعا، نمادگرایی آب می‌نامیم، در قالب غسل تعمید مطرح می‌شود. خوب، این فقط یک طرح کلی سریع است. چیزهای دیگری هم وجود دارد، اما بیایید به برخی از تفاوت‌ها نگاه کنیم.

قمران یک جامعه بسته است. همه چیزهایی که برای ورود وجود داشت، ورود را دشوار می‌کرد، به نظر می‌رسد که روی هم رفته، یک جامعه مجرد بوده است، بدون هیچ گونه اشتیاق تبلیغی، اه، کاملاً واضح است که با توجه به متن بحرالمتیت ما. اگر فقط آن مکان کوچک نبوده، محلی در آن منطقه بوده، محدود به آن جغرافیا، اه، واضح است که ریاضت اقتصادی همراه با نگرانی آنها برای خلوص آیینی وجود داشته است.

گاهی اوقات یوسفوس اشاره می‌کند که برخی از اسنی‌ها واقعاً ازدواج می‌کردند، اما، آنها به طور خاص ازدواج می‌کردند تا بتوانند فرمان مربوط به بارور شدن و تکثیر را مطابق روشی که یوسفوس آن گروه خاص از اسنی‌ها را ارائه می‌دهد، انجام دهند. آه، به قوم قمران توصیه شده است که از دشمنان خود متنفر باشند. این دقیقاً از طریق آموزه‌های عیسی بیان نمی‌شود.

آنها با افراد حاشیه‌نشین معاشرت نمی‌کنند، و احتمالاً خودشان هم در حاشیه بوده‌اند. باز هم، ورود به یک جامعه بسته فرآیندی دارد.

شما فقط پس از دو سال دوره آزمایشی اجازه شرکت در مراسم شام دسته جمعی را دارید. همانطور که اشاره کردیم، سلسله مراتب هیچ علاقه‌ای به معجزات ندارند. با این حال، البته، ما عیسی را می‌بینیم که معجزات را به عنوان پسر خدا انجام می‌دهد.

قبلاً به تقویم شمسی برای قمران هم اشاره کردم. فقط چند نکته اضافه. عیسی تورات را خلاصه خواهد کرد.

باشه. همه چیز در تورات و انبیا هست و او خلاصه‌ای از اظهارات را بیان می‌کند. طومارها این کار را نمی‌کنند.

در عوض، آنها با دقت بسیار زیادی آن را تفسیر می‌کنند، پیشرو و غیره. عیسی با تمثیل تعلیم می‌دهد، و طومارها این کار را نمی‌کنند. عیسی به وضوح اعلام می‌کند که پسر خداست.

معلم عدالت این کار را نکرد. تمرکز عمیقی بر پادشاهی وجود دارد، به خصوص در تمثیل‌های پادشاهی ما. اگرچه نویسندگان انجیل ما به وضوح می‌نویسند، جامعه طومارها در درجه اول بر نوشتن و نوشتن تمرکز دارد. تا تفسیر انجام دهد، و همچنین وضعیت خود را توصیف کند.

شما در مورد قوانین سبت در قومران بسیار سخت‌گیر هستید. البته این یکی از مسائلی است که در مورد عیسی مطرح می‌شود. ما آن را در یوحنا ۵ و ۹ می‌بینیم.

و البته، بین پایان مرقس دوم و مرقس سوم، این چالش‌هایی را که برای شاگردان عیسی در آن متن مرقس مطرح شده بود، می‌بینیم. رستاخیز به وضوح در متن قومران آموزش داده نشده است. و البته، این بخش مرکزی ایمان ماست.

بنابراین، اگرچه این موضوع پس‌زمینه‌ی واقعاً جذابی از نظر یهودیت در آن قرن‌های اول قبل از میلاد و میلادی فراهم می‌کند، اما تلاش‌هایی، اوه، شاید الان ۷۰ سال پیش برای ارتباط دادن مسیحیت، مسیحیت نوپا با قمران واقعاً کاملاً با شکست مواجه شده است. خب، فقط یک چیز دیگر. این طومار اشعیا ماست و ما دوباره همان متن کلاسیک را می‌بینیم.

من از اشعیا ۴۰ به عنوان نوعی آیه‌ی معیار یاد کردم، صدای کسی که در بیابان ندا می‌دهد و راهی را برای خداوند آماده می‌کند که درست در آن نقطه از این متن خواهد بود. خیلی قبل‌تر در ابتدای سخنرانی مقدماتی یکی از چیزهایی که گفتیم این بود، و من دوباره آن را مرور خواهم کرد، این کشف در قمران، به دلیل اطمینانی که به ما در مورد اعتبار سنت متنی، که ماسوریت‌ها قرن‌ها از آن استفاده می‌کردند، داد، قابل توجه‌ترین کشف بود. بنابراین فقط برای بررسی محوطه، تاکنون ۱۱ غار، ۸۰۰ نسخه خطی، تعداد زیادی قطعه، به ویژه به دلیل غار چهارم.

همانطور که قبلاً اشاره شد، تحولات زبان عبری و تاریخ متنی کتاب مقدس عبری. و این به ما بینش می‌دهد. بینش‌های بسیار مفیدی. من از اصطلاح یهودیت‌ها استفاده کرده‌ام و، آه، دوباره آن را مطرح کرده‌ام.

ما اصلاً نمی‌خواهیم یهودیت قرن اول را یکپارچه بدانیم. وقتی به مطالب خاخی‌مان پردازیم، به این موضوع برمی‌گردم و در این فاصله، مطالبی را در مورد ادبیات خارج از متون رسمی مطالعه خواهیم کرد. همه اینها به درک ما از این منبع پیچیده و غنی که داریم، کمک می‌کند.

فعالاً همین کافی است.

من دکتر الین فیلیپس و تدریس او در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس هستم. این جلسه سیزدهم، متون منتخب دریای مرده است.